

Original Article

The Study of Factors Affecting the Formation and Transformation of University in Iran since the Establishment of Tehran University

Monireh Sohrabi*
Mohammad Yamani douzi**
Hassan Hazrati***
Maghsood Farasatkah****

Introduction

The university system is one of the subsystems and component of the higher education system and the social system; hence, it is influenced by other higher education institutions, the educational system of the country and peripheral devices such as political, economic, social and cultural systems. Many thinkers and educators, who advocate new perspectives on educational reform, believe that policy making and planning in order to redefine the past and present performance of educational systems in each country should be done in the light of the historical background of educational developments and the analysis of the current state of the educational system, because in this case, it is possible to discover the factors that led to the decline of cultural and scientific activities and the formation of the current educational methods with an open and comprehensive view. This research aims to study "the factors affecting the formation and transformation of the university in Iran since the establishment of the University of Tehran as the first Iranian official to date".

Methods

This research was done by using thematic analysis method consisting of three stages of descriptive coding, interpretive coding and content

* Student Ph.D. Higher Education, Faculty of Education and Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. *Corresponding Author:* msohrabi65@gmail.com

** Professor, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

*** Assistant Professor, University of Tehran, Iran.

**** Associate Professor, Higher Education, Institute of Research and Planning in Higher Education, Tehran, Iran.

development. In order to achieve the purpose of the research, semi-structured interviews were conducted with experts and those who had experience in higher education.

Results

The findings of the analysis of the content indicate that several factors have contributed to the formation of the university in Iran. History of the University in Iran from interviewee's views, six distinct courses can be divided into different policies and approaches to higher education.

Discussion

In all these periods, many political, economic, social, cultural, ideological and scientific factors have affected the changes and changes in the university. Findings show that there are no significant differences between Iranian universities. The reason for this is the lack of creativity in the management of higher education system on the one hand and centralization on the other. Making any structural, quantitative and qualitative changes in the higher education system of the country should be based on deep sociological, economic, political and cultural studies and its growth and expansion in line with the needs and developments created in these areas. By adopting legal mechanisms and proper culture, the effects of severe political and economic factors and its destructive effects on the higher education system were prevented. The question is, "Why is new higher education not linked to past experiences and developmental policies of the country, or at least a weak link in this field?" Can be the basis for another research.

Keywords: Higher Education, History of higher education, Transformation of higher education, Effective factors

Author Contributions: Monireh Sohrabi has planned general framework, initiated the project, executed the plan, analyzed the results, and reported the findings. Dr. Mohammad Yamani douzi provided the theoretical framework of the study and directed the overall research process. Dr. Hassan Hazrati and Dr. Maghsoud Farasatkah collaborated in general framework planning and analyzing of conceptions, conclusions, manuscript content editing, submission and correction and the corresponding author. Authors discussed the results, reviewed and approved the final version of the manuscript.

Acknowledgments: The authors declare their thanks to all those who contributed in completion of this research, especially their dear colleagues and professors.

Conflicts of Interest: The authors declare that there is no conflict of interests in this article. This article extracted from the PhD thesis.

Funding: The authors received no financial support for the research.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۲/۲۴
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۹/۲۹

مجله‌ی علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز
بهار و تابستان ۱۴۰۰، دوره‌ی ششم، سال ۲۸
شماره‌ی ۱، صص: ۲۰۶-۱۸۵

مقاله پژوهشی

بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و تحول دانشگاه در ایران از تأسیس دانشگاه تهران تا کنون

منیره سهرابی *

محمد یمنی دوزی سرخابی **

مقصود فراستخواه ***

حسن حضرتی ****

چکیده

بسیاری از متفکران و متخصصان تعلیم و تربیت بر این باورند که سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی به‌منظور تجدیدنظر اساسی در عملکرد گذشته و کنونی نظام‌های تربیتی هر کشور، باید در پرتو بررسی پیشینه‌ی تاریخی تحولات آموزشی و تحلیل وضعیت کنونی نظام آموزشی صورت پذیرد؛ تا با دیدی باز و جامع عواملی را که موجب رکود فعالیت‌های فرهنگی و علمی و شکل‌گیری روش‌های کنونی آموزشی است، شناسایی کرد. این پژوهش با هدف بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و تحول دانشگاه در ایران از زمان تأسیس دانشگاه تهران تا کنون انجام شده است. در راستای تحقق اهداف پژوهش ۱۴ مصاحبه با افراد متخصص و دارای تجربه زیسته در آموزش عالی کشور ترتیب داده‌شده و مصاحبه‌ها تا مرحله‌ی اشیاع نظری ادامه پیدا کرد. در تحلیل مصاحبه‌های پژوهش از استراتژی تحلیل تماتیک (مضمون) استفاده‌شده است. از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان، سیر تاریخی دانشگاه در ایران را می‌توان به شش دوره مجزا تقسیم کرد. در تمام این دوره‌ها، عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، ایدئولوژیک و علمی تغییرات و تحولات در دانشگاه را تحت تأثیر قرار داده‌اند. عدم خلاقیت در مدیریت سیستم آموزش عالی از یک طرف و تمرکزگرایی از سوی دیگر سبب شده است که بین دانشگاه‌های ایران اختلاف معناداری وجود نداشته باشد. ایجاد تغییرات ساختاری، کمی و کیفی در نظام آموزش عالی کشور باید بر اساس

* دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی توسعه آموزش عالی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

msohrabi65@gmail.com

** استاد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

*** استادیار، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، تهران، ایران

**** دانشیار، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

مطالعات جامع فرهنگی، جامعه‌شناسی، اقتصادی، سیاسی بوده و با اتخاذ سازوکارهای قانونی و فرهنگ مناسب، مانع از تأثیرگذاری مخرب عوامل سیاسی و اقتصادی بر نظام آموزش عالی شد.

واژه‌های کلیدی: آموزش عالی ایران، تاریخچه آموزش عالی، تحول آموزش عالی، عوامل مؤثر

مقدمه

بسیاری از صاحب‌نظران برنامه‌های توسعه، تأکید دارند که آموزش عالی یکی از ارکان و عوامل اصلی توسعه به شمار می‌آید و ضروری است برنامه‌ریزی در این بخش، دقیق و مبتنی بر اصول باشد؛ چرا که پیشرفت علم و فناوری در زمینه‌های مختلف، بر پیچیدگی وظایف و مأموریت‌های نظام آموزش عالی افزوده است (Hosseini Largani, 2009). سیستم دانشگاهی به‌عنوان یکی از دستگاه‌های زیرمجموعه و جزء سیستم آموزش عالی و سیستم اجتماعی است و بدین جهت متأثر از سایر دستگاه‌های آموزش عالی، سیستم آموزشی کشور و دستگاه‌های پیرامونی نظیر دستگاه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است (Yamani & Arasteh, 2003). سیستم دانشگاهی و آموزش عالی به‌طور کلی دارای خصوصیات یک سازمان ساختمان‌دوست و متحرک هستند؛ دانشگاه سیستمی برخوردار از تحول خاص است (هرچند که آثار تغییرات در مدت‌زمان کوتاه مشاهده‌پذیر نیستند). (Yamani, 2001 a: 20). «زمانی که از سیستم دانشگاهی سخن به میان می‌آید، شناسایی نیروهای مؤثر در آن ضروری می‌نماید. محیط سیستم دانشگاهی شامل سطوح منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی است. توجه به این سطوح در تحلیل عملکرد دانشگاه اساسی است. از سوی دیگر، با طرح دیدگاه‌ها و نظریه‌های مختلف از جمله نظریه سیستمی و نظریه پیچیدگی و نظریه‌های توسعه و طبق مطالعات و تجارب نظام‌های دانشگاهی دنیا در مورد شناخت عناصر دانشگاه می‌توان عوامل اساسی مؤثر در تغییرات و توسعه‌ی دانشگاه‌ها را به‌صورت سیستمی که در آن عوامل و نیروهای درونی و بیرونی در تعامل باهم هستند، بررسی نمود. این سیستم در بستر محدودیت‌هایی کار می‌کند که هم درونی و هم بیرونی هستند. در این چارچوب محیط درون و بیرون دانشگاه و زمینه ملاک عمل بوده و عوامل مؤثر در این محیط‌ها می‌تواند مبنای سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و مدیریت دانشگاه باشد» (Samari, 2013: 70). امروزه بسیاری از متفکران و متخصصان تعلیم و تربیت که حامی دیدگاه‌های نوین در زمینه‌ی اصلاحات آموزشی هستند، بر این باورند که

سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی به‌منظور تجدیدنظر اساسی در عملکرد گذشته و کنونی نظام‌های تربیتی هر کشور، باید در پرتو بررسی پیشینه‌ی تاریخی تحولات آموزشی و تحلیل وضعیت کنونی نظام آموزشی صورت پذیرد؛ زیرا در این صورت می‌توان با دیدی باز و جامع عواملی را که موجب رکود فعالیت‌های فرهنگی و علمی و شکل‌گیری روش‌های کنونی آموزشی است، شناسایی کرد (Aghazadeh, 2007). «برای دانستن این‌که به کجا می‌رویم، لازم است بدانیم که از کجا می‌آییم». این عبارت دبس^۱ بیان‌گر اهمیت شناخت گذشته در ساخت آینده است؛ نمی‌توان حال یک سازمان را فهمید مگر این‌که گذشته‌ی آن شناخته شود؛ بنابراین شناخت گذشته به توضیح حال کمک می‌کند، همان‌طوری که برای ساخت آینده‌ی یک سازمان فهم وضعیت حال آن ضروری است (Yamani, 2001 b, 119).

دانشگاه پس از طی تاریخی روندی به‌عنوان جایگاه تولید، رشد و انتقال علم به نهادی جدید با نقش‌ها و کارکردهای علمی، فرهنگی و اجتماعی بدل شده است. بررسی تاریخ دانشگاه را باید از پیدایش آکادمی‌ها در یونان باستان و دانشگاه جندی‌شاپور آغاز کرد، انتقال فلسفه و علوم یونان و ایران به دنیای اسلامی به تشکیل بیت الحکمه‌ها، دارالعلم‌ها، مدرسه‌ها و نظامیه‌ها منجر شد که از مهم‌ترین نهادهای علمی در پرورش دانشمندان و تعمیم دانش در جامعه‌ی بشری بوده‌اند. مدارس و دانشگاه‌های اسلامی از طریق اندلس در قرن دوازدهم میلادی سرمشق نخستین دانشگاه‌های اروپایی قرار گرفتند و از قرن نوزدهم به بعد دانشگاه‌های جدید اروپایی به‌نوبه‌ی خود الگویی برای تأسیس و بازسازی نظام آموزش عالی در کشورهای اسلامی از جمله ایران بودند. روشن است که در همه‌ی این مراحل، شرایط و زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی تأثیر بسیار داشته است. با پیدایش سرمایه‌داری و آغاز انقلاب صنعتی در اروپا، این نقش دچار دگرگونی‌های بسیار شد و دانشگاه‌ها بیش‌تر به‌سوی آموزش‌های حرفه‌ای و کارکردهای عملی سوق داده شدند. دانشگاه‌ها در جامعه صنعتی با کشمکش‌ها و تعارض‌های اجتماعی جدیدی روبرو شدند که در طول سال‌ها و قرون در غرب کوشش می‌شد در جهت خاصی حل شود. صرف‌نظر از نوع، کمیت و حجم مسائل، زمانی طولانی در اروپا به این امر اختصاص داشته اما همین تعارض‌ها با انتقال آن‌ها به جوامع دیگر به این

کشورها منتقل شده است بدون این‌که حتی فرصتی برای اندیشیدن و حل کردن و یا بومی کردن آن‌ها وجود داشته باشد. علاوه بر این نمی‌توان از نقشی که تجددخواهی و تجددگرایی آمرانه و سیاست‌های مقابله با دین و فرهنگ بومی در دوران اخیر تاریخ ما تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی بر شکل‌گیری «دانشگاه» و رشد آن در جامعه‌ی ما داشته است، غفلت کرد. دانشگاه به‌عنوان یک واقعیت در جامعه‌ی کنونی که اسلامی و انقلابی است، باید به رسمیت شناخت و بر اساس اندیشه‌ی این انقلاب برای آن نقش‌ها و رسالت‌هایی تعریف کرد. شناخت این پدیده‌ی مهم و حساس از سویی کمک می‌کند مخاطب در جریان شکل‌گیری و تحول آن قرار گرفته و نشیب و فرازهایی که با آن روبرو بوده است را درک کند (Moein, 2004). از سوی دیگر، شناخت گذشته‌ی آموزش عالی و افت‌وخیزها و شکست‌ها و موفقیت‌هایی که طی کرده می‌تواند به تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی کمک شایانی نماید. انسانی که نتواند تجارب گذشته را ببیند و در آن غور و تفکر کند، قطعاً محکوم به شکست و تکرار اشتباهات است. تاریخ، سرشار از تصمیم‌گیری‌ها و مملو از برنامه‌ریزی‌های موفق و ناموفق انسان‌ها و سازمان‌ها است که مطالعه‌ی آن‌ها بی‌شک می‌تواند از تکرار شکست‌ها جلوگیری کرده و به فهم چرایی و علل شکست‌ها و موفقیت‌ها کمک نماید. حاصل مطالعه‌ی تاریخ آموزش عالی برای کلیه‌ی مدیران در سطوح مختلف این حوزه قطعاً مفید خواهد بود. شناخت عوامل مؤثر در توسعه و یا عوامل بازدارنده در راه توسعه‌ی دانشگاه، می‌تواند دست‌اندرکاران را به شناخت عمیق‌تر و انجام اقداماتی مناسب‌تر و مطلوب‌تر در جهت ارتقای کیفیت آموزش عالی یاری رساند. علاوه بر این، برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران معمولاً تمایل دارند تا با مقایسه‌ی اقدامات و برنامه‌های خود با کار پیشینان، نشان دهند که سیاست‌های آنان و سیاست‌های پیشینان آن‌ها چه مقدار جامعه را متنفع کرده و یا متنفع خواهد کرد. این‌گونه مطالعات، هم‌چنین سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان را از خطر ایده‌های بلند پروازانه در اجرای طرح‌های اصلاحی در نظام آموزش عالی آگاه می‌سازد (Bray, Adamson & Mason, 2007).

به اتکای این پیش‌فرض که شکل‌گیری و تغییرات و تحولات در سیستم آموزش عالی ایران همواره متأثر از عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و شناختی بوده و بر سایر دستگاه‌های موجود در جامعه نیز تأثیرگذار است، بررسی تغییرات و تحولات نظام آموزش عالی ایران مسئله اصلی این پژوهش در نظر گرفته شده است.

Torayfi Hoseini (2010) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان «بررسی تطبیقی و تحلیلی سیر تاریخی آموزش عالی ایران با تأکید بر تحولات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مؤثر بر آن در سه دوره قاجار، پهلوی و انقلاب اسلامی»، با استفاده از روش ایساک کندل، سیر تاریخی آموزش عالی کشور را از آغاز تا پیدایش به ۷ دوره‌ی تاریخی مشخص تقسیم نموده و در ذیل هر دوره به مهم‌ترین تحولات و اقدامات صورت گرفته و عوامل تأثیرگذار بر آن‌ها اشاره کرده است.

Farasatkah (2000) در یک طرح پژوهشی با عنوان «تاریخ تحول دانشگاه در ایران» با نظارت و همکاری مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی به بررسی سیر تغییرات و تحولات آموزش عالی کشور پرداخته است. حاصل طرح در کتاب سوانح دانشگاه در ایران (۱۳۸۸) تاریخ دانشگاه ایران را به ۸ دوره تقسیم‌بندی کرده است.

Entezari (2009) در طرحی با عنوان «شصت سال آموزش عالی، تحقیقات و فناوری در ایران» در مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، به بررسی تاریخی آموزش عالی کشور پرداخته است. در این طرح به زمینه‌های ظهور آموزش عالی در ایران، ظهور آموزش عالی در ایران، تکوین نظام آموزش عالی در ایران، خیزش آموزش عالی در ایران، گسترش آموزش عالی در ایران، بازآفرینی آموزش عالی در ایران، خیزش و گسترش مجدد آموزش عالی در ایران پرداخته است.

Samari (2013) در بخشی از پایان‌نامه دکتری خویش با عنوان «جریان توسعه دانشگاهی در دانشگاه‌های دولتی ایران و ارائه الگویی برای آن»، به بررسی مختصر شکل‌گیری و تغییرات دانشگاه در ایران پرداخته است. وی تاریخ دانشگاه‌ها در ایران را از تأسیس دانشگاه تهران تاکنون را به دو دوره اصلی «از تأسیس دانشگاه تهران تا سال ۱۳۵۷» و «از سال ۱۳۵۷ تاکنون» تقسیم‌بندی نموده است. دوره اول به ۳ زیر دوره زمینه‌سازی ظهور آموزش عالی، شکل‌گیری دانشگاه در ایران-تکثیر با شیب ملایم و تکوین (۱۳۴۰-۱۳۱۳)، گسترش دانشگاه‌ها (۱۳۵۷-۱۳۴۱) و دوره دوم به ۴ زیر دوره تغییر و تحول با دیدگاه انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها (۱۳۶۸-۱۳۵۷) گسترش کمی (۱۳۷۶-۱۳۶۸)، گسترش کمی و پاسخگویی به تقاضای اجتماعی و طرح موضوع کیفیت (۱۳۸۴-۱۳۷۶) و بازگشت به ساختار متمرکز و گسترش فراگیر آموزش عالی (۱۳۹۱-۱۳۵۸) تقسیم‌بندی نموده است.

(2002) Firouz Kouhi Moghaddam در مطالعه‌ای به بررسی جریان‌های مختلف آموزش عالی ایران با روش توصیفی به تحولات ایجاد شده در عرضه نیروی انسانی متخصص توسط این جریان‌ها پرداخته است. نتایج این طرح نشان می‌دهد گسترش و توسعه‌ی جریان‌های مختلف عرضه‌ی آموزش عالی از بدو فعالیت تاکنون نامتوازن و خطی بوده است.

اهداف پژوهش

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی سیر تغییر و تحولات دانشگاه در ایران و عوامل مؤثر بر آن از زمان تأسیس دانشگاه تهران تا امروز بوده است که در راستای تحقق این هدف سؤالات زیر طرح گردید:

۱- دانشگاه در ایران از سال ۱۳۱۳ (تأسیس دانشگاه تهران) تاکنون چه تغییرات و تحولاتی داشته است؟

۲- عوامل مؤثر بر تغییر و تحول دانشگاه در ایران چه بوده است؟

روش‌شناسی پژوهش

روش گردآوری داده‌ها در این تحقیق، مصاحبه کیفی نیمه ساختاریافته بوده و انتخاب مصاحبه‌شوندگان با استفاده از ترکیبی از تکنیک‌های نمونه‌گیری هدفمند شامل نمونه‌گیری با حداکثر تنوع (Teddle & Yu, 2007)، نمونه‌گیری بر مبنای اعتبار (Teddle & Yu, 2007) و نمونه‌گیری گلوله برفی (Tashakkori & Teddle, 2010) صورت گرفته است. بدین ترتیب در انتخاب مصاحبه‌شوندگان تلاش شد افرادی که مورد مصاحبه قرار گیرند که اولاً دارای تجربه زیسته در حوزه‌ی آموزش عالی بوده و ثانیاً از نظر تجربه و تخصص دارای تنوع بالایی باشند. بر این اساس ۱۴ مصاحبه ترتیب داده‌شده و مصاحبه‌ها تا مرحله‌ی اشباع نظری یعنی جایی که دانش جدیدی از داده‌ها به دست نمی‌آید (Hart, Yelland, Mallinson, Hussain & Peters, 2015) ادامه پیدا کرد. برای حصول اطمینان از روایی پژوهش، یعنی دقیق بودن یافته‌ها از منظر پژوهشگر، مشارکت‌کنندگان یا خوانندگان گزارش پژوهش (Creswell & Miller, 2000)، از راهبردهای تطبیق توسط اعضا، بررسی همکار و مشارکتی بودن و انعکاس‌پذیری پژوهشگر استفاده شد. در این راستا برخی از مشارکت‌کنندگان مرحله نخست، مقوله‌های به‌دست‌آمده را

بازبینی کرده و نظر خود را در ارتباط با آن‌ها ابراز داشتند و سه تن از متخصصان و اساتید، به بررسی یافته‌ها و اظهارنظر درباره آن‌ها پرداختند؛ به‌طور هم‌زمان از مشارکت‌کنندگان در تحلیل و تفسیر داده‌ها کمک گرفته شد و سعی شد تا مصاحبه‌ها با تکیه بر پرسیدن سؤالات باز و نیز کدگذاری با ذهن باز و با توجه به سؤالات پژوهش به‌پیش رود تا در حد امکان از سوگیری‌ها جلوگیری شود. در تحلیل مصاحبه‌های پژوهش از استراتژی تحلیل تماتیک^۱ (مضمون) استفاده شده است. تحلیل مضمون (موضوعی، تماتیک) از متعارف‌ترین و پرکاربردترین روش تحلیل داده‌های کیفی به‌ویژه در مردم‌نگاری و یا در تحلیل داده‌های متنی مصاحبه‌ای بوده (Pakseresht, Hosseini & Inanloo, 2012) و روشی برای شناخت و سازمان‌دهی الگوهای موجود در یک محتوا و معانی در داده‌های کیفی است. به‌این‌ترتیب، تحلیل مضمون مبنای سایر روش‌های تحلیل داده‌های کیفی است (Willig, 2013). (King, Harrocks & Brooks, 2018). در سال ۲۰۱۰ با بررسی و جمع‌بندی تلاش‌های دیگر پژوهشگران تحلیل مضمونی، فرآیندی سه مرحله‌ای را برای تحلیل مضمونی ارائه داده‌اند. این فرآیند شامل سه مرحله‌ی کدگذاری توصیفی^۲، کدگذاری تفسیری^۳ و یکپارچه‌سازی از طریق مضامین فراگیر^۴ است (Mehri, Yazdkhasti & Panahi, 2014).

یافته‌های پژوهش

- دانشگاه در ایران از سال ۱۳۱۳ (تأسیس دانشگاه تهران) تاکنون چه تغییرات و تحولاتی داشته است؟
- عوامل مؤثر بر تغییرات و تحولات دانشگاه چه بوده است؟
از نگاه مصاحبه‌شوندگان مهم‌ترین تغییرات و تحولات آموزش عالی ایران و عوامل مؤثر بر آن عبارت‌اند از:^۵

- 1- Thematic analysis
- 2- Descriptive Coding
- 3- Interpretive Coding
- 4- Overarching Themes

۵ مبنای این تقسیم‌بندی نظرات مصاحبه‌شوندگان بوده است؛ به طوری که وقتی سؤالات مصاحبه که مربوط به این سؤال پژوهش بود، مطرح می‌گردید، معیار تقسیم‌بندی آنان به گونه‌ی زیر پیش می‌رفت و به جهت حفظ امانت و رعایت اخلاق پژوهش، این تقسیم‌بندی دچار تغییر نگردید

دوره اول: سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۱۳ سیاست تأسیس و گسترش کمی با نگاهی به استقلال و

هویت دانشگاهی

دانشگاه تهران در واقع خروجی دارالفنون، مدارس عالی و دانشسراها قلمداد می‌گردد (مصاحبه‌شونده شماره ۱۲)؛ هرچند عواملی مانند ایجاد مقداری توسعه سیاسی در کشور، آشنایی رضاخان با غرب به‌خصوص آتاتورک (مصاحبه‌شونده شماره ۵)، تلاش رضاخان جهت مقابله و رویارویی با حوزه علمیه و موافقت با طرح تأسیس دانشگاه (مصاحبه‌شوندگان شماره ۴ و ۶)، رها شدن حکومت از حالت مطلقه به‌صورت ظاهری، ثبات و نظم نسبی، فضای باز جهت ورود و رشد نخبگان و فرهیختگان وجود معلمین خارجی (مصاحبه‌شونده شماره ۹)، وجود مدارس عالی و دانشسراها به‌عنوان پیش‌زمینه‌های تأسیس دانشگاه، توجه و گسترش مدارس ابتدایی و متوسطه، تشکیل شورای معارف، وجود امکانات و فضاهای آموزشی و آموزشگاهی، پیروزی آمریکا در جنگ جهانی دوم و آشنایی با پیشرفت‌های آن، فضای سیاسی باز دولت و لیبرالیزه شدن در زمان پهلوی دوم (مصاحبه‌شونده شماره ۴)، توجه به استقلال دانشگاه در متن قانون، رشد فعالیت‌های اقتصادی و بازرگانی در کشور (مصاحبه‌شونده شماره ۷ و ۸)، افزایش تقاضای سیستم سبب شد تا اولین دانشگاه در ایران متولد شود. شاخصه‌هایی مانند وجود اساتید و چهره‌های شاخص علمی قوی، نخبه‌گرایی و نخبه شدن دانشگاهی (مصاحبه‌شونده شماره ۱۲)، روند علمی تقریباً ثابت، عدم رونق پژوهش و خلاقیت و عدم رونق تحصیلات تکمیلی (مصاحبه‌شوندگان شماره‌های ۳ و ۱۱)، غالب بودن الگوهای فرانسوی به مدل‌های دانشگاهی ایران، تغییر الگوهای دانشگاهی از فرانسوی به آمریکایی از دهه‌ی ۴۰ (مصاحبه‌شوندگان شماره‌های ۶، ۷، ۸)، از نظر علمی، کودتای ۱۳۳۲، ارتباط با آمریکا پس از کودتای ۱۳۳۲، ناپایداری‌های سیاسی در بخش دولتی (مصاحبه‌شوندگان شماره‌های ۷ و ۸) از نظر سیاسی، عدم ارتباط دانشگاه با صنعت، تأکید و توجه به اقتصاد نفتی (مصاحبه‌شوندگان شماره‌های ۲ و ۵) از نظر اقتصادی، ارتباطات با کشورهای دیگر (مصاحبه‌شوندگان شماره‌های ۶ و ۱۲) از نظر فرهنگی و اجتماعی و حاکم بودن سیاست‌های دیکتاتوری رضاخانی (مصاحبه‌شونده شماره ۳)، استقلال و هویت یافتن دانشگاه‌ها (مصاحبه‌شوندگان ۹ و ۱۲) از نظر ایدئولوژیکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تغییرات و تحولات این دوره می‌باشند. «دانشگاه قبل از انقلاب دارای روند حیات تقریباً ثابت بود. اکثر دوره‌ها در

حدّ کارشناسی و پژوهش دارای رونق چندانی نبود. دانشگاه با صنعت ارتباطی نداشت و این موارد مهم‌ترین ویژگی‌های آموزش عالی و دانشگاه در قبل از انقلاب اسلامی ایران است» (مصاحبه‌شونده شماره ۱۱)

دوره دوم: سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۵۷ سیاست تمرکزگرایی با نگاهی به پیاده‌سازی تفکر اسلامی سازی «با وقوع انقلاب اسلامی و در ادامه انقلاب فرهنگی، آموزش عالی دچار تمرکز شد که مهم‌ترین مصداق آن، انحلال هیئت‌های امنای دانشگاه‌ها بود» (مصاحبه‌شونده شماره ۹). تلاش در جهت تغییر در رشته‌های دانشگاهی (مصاحبه‌شونده شماره ۳)، حاکمیت سیاست توسعه‌ی کمی (مصاحبه‌شوندگان شماره‌های ۴، ۵، ۹، ۱۱ و ۱۲)، راه‌اندازی دوره‌های تحصیلات تکمیلی (مصاحبه‌شوندگان شماره‌های ۳ و ۱۱) «با وجود عدم باور اکثریت اساتید تحصیل‌کرده غربی» (مصاحبه‌شونده شماره ۳)، اعزام تعداد زیادی از دانشجویان به خارج از کشور (مصاحبه‌شوندگان شماره‌های ۴ و ۱۱)، نگاه سطحی به تحولات علمی و جهانی در پاره‌ای موارد (مصاحبه‌شونده شماره ۵)، بازنگری محتوای رشته‌های دانشگاهی و برنامه‌های درسی (مصاحبه‌شوندگان ۳ و ۱۱) از مهم‌ترین تحولات علمی این دوره بوده است که بر شکل گرفتن این بازه زمانی از نظر ویژگی‌های خاص آن نیز مؤثر بوده است. «وقوع انقلاب اسلامی به‌نوبه‌ی خود در همه‌ی اشکال زندگی ایرانیان و نهادهای کشور تأثیر گذاشت و آموزش عالی نیز از این امر مستثنا نبود» (مصاحبه‌شونده شماره ۳). «باین‌وجود ما تأثیر و تسلط دولت در مدیریت و پژوهش‌های دانشگاه‌ها را به‌طور قاطعی شاهد هستیم» (مصاحبه‌شونده شماره ۱۲). وقوع جنگ و مشکلات اقتصادی ناشی از آن از جمله کمبود بودجه در بخش آموزش عالی از مهم‌ترین عوامل اقتصادی مؤثر بر تحولات این دوره بوده است. «ضرورت بازسازی و سازندگی در این بازه زمانی فرصت چندانی را برای اثرگذاری‌های خاص در آموزش عالی فراهم نکرد» (مصاحبه‌شونده شماره ۳) توجه به نقش دانشگاه در مسائل اجتماعی در خدمت به جامعه (مصاحبه‌شوندگان شماره‌های ۷ و ۴) را نیز می‌توان از عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر این دوره دانست. باین‌وجود وقوع انقلاب اسلامی و به دنبال آن وقوع انقلاب فرهنگی سبب شد بیش‌ترین تأثیر از نظر عوامل مختلف، مربوط به مقولات ایدئولوژیکی و معرفتی باشد. «تعطیلی دانشگاه‌ها ناشی از انقلاب اسلامی و ضرورت بازنگری در مدیریت دانشگاه‌ها» (مصاحبه‌شونده

شماره ۱۱)، تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی و بازگشایی مجدد دانشگاه، باعث «شکل‌گیری سازوکارهای جدید» (مصاحبه‌شونده شماره ۱۱) در آموزش عالی گردید. مباحثی مانند «وحدت حوزه و دانشگاه» (مصاحبه‌شونده شماره ۴) و «اسلامی سازی دانشگاه‌ها» (مصاحبه‌شونده شماره ۱۲)، «توسعه‌ی دانشگاه‌ها در مناطق محروم و برقرار عدالت آموزشی» (مصاحبه‌شونده شماره ۱۱) برای اولین بار در این دوره مطرح شدند که همه ناشی از طرح «گفتمان انقلاب اسلامی» (مصاحبه‌شونده شماره ۹) است. وقوع جنگ در این دوره سبب ایجاد «تمایل دانشگاه و دانشگاهیان به حضور در جنگ» (مصاحبه‌شونده شماره ۱۱) گردید؛ تا جایی که بسیاری از اساتید و دانشجویان کلاس‌های درس و دانشگاه را رها کرده و حضور در میدان‌های نظامی را به حضور در فضای دانشگاهی ترجیح دادند.

دوره سوم: سال‌های ۱۳۷۶-۱۳۶۸ سیاست کمی‌گرایی با نگاهی به ایفای نقش دانشگاه در جامعه با پایان جنگ در این بازه زمانی، مجدداً شاهد حضور فعال دانشگاه و دانشگاهیان این بار در بازسازی کشور هستیم؛ به‌گونه‌ای که «پروژه‌های صنعتی، دفاعی، سدسازی و ساختمان بسیاری رونق یافت که حاصل نقش دانشگاه در تربیت نیروی انسانی متعهد است» (مصاحبه‌شونده شماره ۱۱). در واقع این پروژه‌ها، اراده‌ای برای جبران عقب‌ماندگی‌های دوره‌ی جنگ را در بین دانشگاهیان شکل داد. «فرمایشات حضرت امام خمینی (قدس سره الشریف)، باعث شد انگیزه‌های مثبتی برای خدمت‌رسانی به جامعه و مردم و تأکید ایشان بر نقش دانشگاه در این امر، در بین دانشگاهیان به وجود آید» (مصاحبه‌شونده شماره ۱۱). حضور دولت در پژوهش‌های دانشگاهی (مصاحبه‌شوندگان شماره‌های ۹ و ۱۲) و ادامه یافتن سیاست‌های کمی‌گرایی در آموزش عالی، تربیت نیروی انسانی دانشگاهی بیش از گذشته (مصاحبه‌شوندگان شماره‌های ۵، ۹، ۱۱، ۱۲) از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تغییرات و تحولات آموزش عالی در این دوره قلمداد می‌گردد. «به‌طور کلی ظهور تکنوکرات‌ها در این دوره باعث شد جای پای تفکرات آنان در همه‌ی عرصه‌ها و بالطبع آموزش عالی به‌طور مشخص دیده شود که یکی از این موارد، رشد کمی آموزش عالی و حضور پررنگ دولت در پژوهش‌های دانشگاهی است» (مصاحبه‌شونده شماره ۹).

دوره چهارم: سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۷۶ سیاست بازگرداندن استقلال به دانشگاه با نگاهی به احیای مجدد آن

در این دوران که به دوران اصلاحات معروف است، «حوزه‌ی مدنی و فرهنگی بیش‌تر از سایر حوزه‌ها نمود پیدا کرد و دانشگاه‌ها در حوزه‌ی برنامه‌ی درسی اختیاراتی پیدا کردند» (مصاحبه‌شونده شماره ۹) و «نام وزارت فرهنگ و آموزش عالی به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تبدیل پیدا کرد» (مصاحبه‌شونده شماره ۴) که آغاز «تأسیس و راه‌اندازی پارک‌های علم و فناوری و ظهور شرکت‌های دانش‌بنیان و توسعه‌ی تکنولوژیکی» و نیز «رشد سریع انتشارات و مقالات در اواخر دهه‌ی ۷۰» (مصاحبه‌شوندگان شماره‌های ۱۱ و ۱۲) در پی داشت. «نقطه‌ی عطف این دوران» تصویب بند الف ماده‌ی ۴۹ در برنامه چهارم توسعه و توجه به استقلال دانشگاه‌ها و تفویض اختیارات است» (مصاحبه‌شوندگان شماره‌های ۴، ۹، ۱۱ و ۱۲). «حاکم شدن تدریجی سیستم مدیریت غیرمتمرکز»، «به وجود آمدن گشایش‌های سیاسی در فضا‌های دانشگاهی» و «بازسازی هیئت‌های امنای دانشگاه‌ها» از مهم‌ترین عوامل سیاسی مؤثر در تحولات این دوره است که متعاقب آن «گشایش‌های اجتماعی و فرهنگی و بازتاب آن در فضا‌های دانشگاهی را در عرصه‌ی فرهنگی شاهد هستیم» (مصاحبه‌شونده شماره ۱۱). در این دوره «به سبب تقاضای روزافزون اجتماعی دوره‌های نوبت دوم یا شبانه راه‌اندازی شدند» (مصاحبه‌شونده شماره ۹) و از نظر «اقتصادی به درآمدزایی دانشگاه‌ها کمک نموده و دولت نیز تجهیزات آزمایشگاهی و کارگاهی زیادی را خریداری و به دانشگاه‌های بزرگ تزریق نمود» (مصاحبه‌شونده شماره ۳).

دوره پنجم: سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۸۴ سیاست بازگشت به تمرکزگرایی با نگاهی به افزایش رشد کمی «بازگشت به رویکرد تمرکزگرایی» (مصاحبه‌شوندگان شماره‌های ۴، ۵، ۹، ۱۱ و ۱۲)، «رشد نامتوازن توسعه‌ی کمی در بخش غیردولتی-غیرانتفاعی و وابستگی بیش‌تر دانشگاه‌ها به مدیریت و بودجه‌ی دولتی» (مصاحبه‌شوندگان شماره‌های ۹، ۱۱ و ۱۲) و «در نتیجه کیفیت مورد تهدید جدی قرار گرفت» (مصاحبه‌شونده شماره ۱۲) و «افزایش بودجه‌ی دانشگاه‌ها» (مصاحبه‌شونده شماره ۳) مهم‌ترین رخدادها و عوامل مؤثر بر تغییر و تحولات این دوره به

شمار می‌رود. با این وجود در این دوره «نقشه جامع علمی کشور به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اسناد بالادستی آموزش عالی تدوین گشت» (مصاحبه‌شونده شماره ۱۱).

دوره ششم: سال‌های ۱۳۹۲ تاکنون^۱ تلاش در جهت احیای مجدد نهاد دانشگاه در جامعه با نگاهی به تمرکززدایی

گفتمان اصلی دوره‌ی آخر، تقویت دیپلماسی است، به‌گونه‌ای که «تأکید بیش‌تر دولت بر مباحث سیاسی» (مصاحبه‌شونده شماره ۹) و «تلاش در جهت انجام گشایش‌های سیاسی» (مصاحبه‌شونده شماره ۱۲) بیش از مباحث علمی مورد توجه سیاستمداران بوده است؛ «بازتاب گشایش‌های سیاسی را می‌توان در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی و متعاقباً دانشگاه‌ها مشاهده کرد» (مصاحبه‌شونده شماره ۱۱) و «تشکل‌های دانشجویی فضای بهتری را تجربه کردند» (مصاحبه‌شونده شماره ۱۱). مباحثی مانند «دانشگاه‌های کارآفرین» و «بین‌المللی‌سازی دانشگاه‌ها» در این دوره بیش از گذشته مطرح گردیدند (مصاحبه‌شوندگان شماره‌های ۴، ۹ و ۱۱). «در این دوره تلاش‌هایی در جهت بازگرداندن استقلال به دانشگاه‌ها و بازگشت به رویکرد غیرمتمرکز احساس می‌شود ولی بیش از آن که علم و دانشگاه در سخنان سیاستمداران این دوره به چشم بیاید، مباحث دیپلماتیک و سیاسی است» (مصاحبه‌شونده شماره ۹). شاید مهم‌ترین دغدغه وزارت علوم در این دوره «ساماندهی مؤسساتی است که بدون ضابطه در جاهای مختلف کشور ایجاد شده‌اند» (مصاحبه‌شونده شماره ۱۱) هرچند بررسی میزان موفقیت آن، نیازمند گذشت زمان و بررسی عمیق‌تر است (مصاحبه‌شوندگان شماره‌های ۳ و ۱۲).

همان‌گونه که در جدول ۱ آمده است دانشگاه در ایران به‌عنوان یکی از نهادهای حساس و حیاتی در هر جامعه در حیات بیش از ۸۰ ساله‌ی خویش بی‌شک از منظرهای گوناگون علمی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دچار تغییر و تحول می‌گردد که این تغییرات و تحولات می‌تواند نتیجه‌ی سیاست‌گذاری بوده و هم کارکرد و هم ساختار نظام دانشگاه را تحت‌الشعاع خود قرار دهد. عوامل مؤثر بر هر یک از این تغییرات و تحولات را می‌توان در قالب عواملی دسته‌بندی کرد. درجه تأثیرگذاری هر یک از این عوامل در برهه‌های زمانی، متفاوت بوده است. در پاره‌ای موارد مباحث علمی که ممکن است تحت تأثیر گفتمان‌های روز علمی دنیا باشد، در بعضی

۱- پژوهش حاضر در سال ۱۳۹۷ به پایان رسیده است.

جدول ۱. مهم‌ترین تغییرات و تحولات آموزش عالی در ایران و عوامل مؤثر بر آن

Table 1. The most important changes and developments in higher education in Iran and the factors affecting it

مضامین اصلی و مفاهیم The main themes and concepts	مضامین کلی General themes	سیاست‌های کلی General policies	ادوار Periods
وجود اساتید و چهره‌های شاخص علمی قوی نخبه‌گرایی و نخبه شدن دانشگاهی روند علمی تقریباً ثابت عدم رونق پژوهش و خلاقیت غالب بودن الگوهای فرانسوی به مدل‌های دانشگاهی ایران تغییر الگوهای دانشگاهی از فرانسوی به آمریکایی از دهه‌ی ۴۰ عدم رونق تحصیلات تکمیلی کودتای ۱۳۳۲	علمی	سیاست تأسیس و گسترش کمی با نگاهی به استقلال	۱۳۱۳-۱۳۵۷ سال‌های (۱۹۷۹-۱۹۳۵)
ارتباط با آمریکا پس از کودتای ۱۳۳۲ ناپایداری‌های سیاسی در بخش دولتی عدم ارتباط دانشگاه با صنعت تأکید و توجه به اقتصاد نفتی	سیاسی اقتصادی	و هویت دانشگاهی	
ارتباطات با کشورهای دیگر حاکم بودن سیاست‌های دیکتاتوری رضاخانی استقلال و هویت یافتن دانشگاه‌ها	فرهنگی و اجتماعی معرفتی و ایدئولوژیکی		
تلاش در جهت تغییر در رشته‌های دانشگاهی انحلال هیئت‌های امنای دانشگاه‌ها حاکمیت سیاست توسعه‌ی کمی راه‌اندازی دوره‌های تحصیلات تکمیلی اعزام تعداد زیادی از دانشجویان به خارج از کشور نگاه سطحی به تحولات علمی و جهانی در پاره‌ای موارد بازنگری محتوای رشته‌های دانشگاهی و برنامه‌های درسی	علمی		
وقوع انقلاب اسلامی تأثیر و تسلط دولت در مدیریت دانشگاه‌ها حضور دولت در پژوهش‌های دانشگاهی	سیاسی	سیاست تمرکزگرایی با نگاهی به	۱۳۵۷-۱۳۶۸ سال‌های (۱۹۸۹-۱۹۷۹)
وقوع انقلاب اسلامی وقوع جنگ و مشکلات اقتصادی ناشی از آن از جمله کمبود بودجه در بخش آموزش عالی	اقتصادی	پیاپی‌سازی تفکر اسلامی سازی	
وقوع انقلاب اسلامی توجه به نقش دانشگاه در مسائل اجتماعی در خدمت به جامعه انقلاب فرهنگی بازگشایی مجدد دانشگاه‌ها با سازوکارهای جدید تمایل دانشگاه‌ها و دانشگاهیان به حضور در جنگ وجود تفکر در جهت توسعه‌ی دانشگاه‌ها در مناطق محروم ایجاد انگیزه‌ی مثبت برای خدمت به جامعه ظهور تفکر اسلامی شدن دانشگاه‌ها طرح مباحثی مانند وحدت حوزه و دانشگاه	فرهنگی و اجتماعی معرفتی و ایدئولوژیکی		
حضور دولت در پژوهش‌های دانشگاهی ادامه یافتن سیاست‌های کمی‌گرایی در آموزش عالی تربیت نیروی انسانی دانشگاهی بیش از گذشته رونق پروژه‌های بین دانشگاهی مثل پروژه‌های صنعتی، دفاعی،	علمی	سیاست کمی گرایی با نگاهی به ایفای نقش	سال‌های -۱۳۷۶ ۱۳۶۸

سدسازی و ساختمان	دانشگاه در جامعه	سیاست	۱۳۷۶-۱۳۸۴ سال‌های (۲۰۰۵-۱۹۹۷)
حضور دولت در پژوهش‌های دانشگاهی	سیاسی	بازگرداندن استقلال به دانشگاه با نگاهی به احیای مجدد آن	
رونق پروژه‌های بین دانشگاهی مثل پروژه‌های صنعتی، دفاعی، سدسازی و ساختمان	اقتصادی	سیاست بازگرداندن استقلال به دانشگاه با نگاهی به احیای مجدد آن	۱۳۸۴-۱۳۹۲ سال‌های (۲۰۱۳-۲۰۰۵)
اعطای اختیارات به دانشگاه‌ها آمدگی دانشگاه‌ها برای پذیرش استقلال حاکم شدن تدریجی سیستم مدیریت غیرمتمرکز ظهور تدریجی شعار استقلال دانشگاه بازسازی هیئت‌های امنای دانشگاه‌ها به وجود آمدن گشایش‌های سیاسی در فضاهاى دانشگاهی رشد سریع انتشارات و مقالات در اواخر دهه‌ی ۷۰ تبدیل وزارت فرهنگ و آموزش عالی به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری راه‌اندازی پارک‌های علم و فناوری و ظهور شرکت‌های دانش‌بنیان و توسعه‌ی تکنولوژیکی دادن اختیارات به دانشگاه‌ها در حوزه‌ی برنامه‌ی درسی خریداری تجهیزات آزمایشگاهی پیشرفته و تزریق به دانشگاه‌های بزرگ	سیاسی	سیاست بازگشت به تمرکزگرایی با نگاهی به افزایش رشد کمی	
حاکم شدن تدریجی سیستم مدیریت غیرمتمرکز به وجود آمدن گشایش‌های سیاسی در فضاهاى دانشگاهی راه‌اندازی دوره‌های شبانه (نوبت دوم)	اقتصادی	سیاست بازگشت به تمرکزگرایی با نگاهی به افزایش رشد کمی	۱۳۹۲ تاکنون سال‌های (۲۰۱۸-۲۰۱۱)
به وجود آمدن گشایش‌های اجتماعی و فرهنگی و بازتاب آن در فضاهاى دانشگاهی	فرهنگی و اجتماعی	تلاش در جهت احیای مجدد نهاد دانشگاه در جامعه با نگاهی به تمرکززدایی	
اعطای اختیارات به دانشگاه‌ها تبدیل وزارت فرهنگ و آموزش عالی به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری	معرفتی و ایدئولوژیکی	تلاش در جهت احیای مجدد نهاد دانشگاه در جامعه با نگاهی به تمرکززدایی	۱۳۹۲ تاکنون سال‌های (۲۰۱۸-۲۰۱۱)
بازگشت به رویکرد تمرکزگرایی رشد نامتوازن توسعه‌ی کمی در بخش غیردولتی-غیرانتفاعی تدوین نقشه جامع علمی کشور کاهش اختیارات دانشگاه‌ها مورد تهدید قرار گرفتن بحث کیفیت به دلیل هجوم کمیت به وجود آمدن معضلات و مشکلات مربوط به پردیس‌های دانشگاهی وابستگی بیش‌تر دانشگاه‌ها به مدیریت و بودجه‌ی دولتی افزایش یافتن بودجه‌ی دانشگاه‌ها بازگشت به رویکرد تمرکزگرایی کاهش اختیارات دانشگاه‌ها	علمی	تلاش در جهت بازگشت به رویکرد غیرمتمرکز تلاش در جهت بازگرداندن استقلال به دانشگاه‌ها طرح مباحثی مانند بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها و دانشگاه‌های کارآفرین	
رشد نامتوازن توسعه‌ی کمی در بخش غیردولتی-غیرانتفاعی وابستگی بیش‌تر دانشگاه‌ها به مدیریت و بودجه‌ی دولتی افزایش یافتن بودجه‌ی دانشگاه‌ها	اقتصادی	تلاش در جهت بازگشت به رویکرد غیرمتمرکز تلاش جهت ایجاد گشایش‌های سیاسی تأکید بیش‌تر دولت بر مباحث سیاسی نسبت به مسائل علمی و دانشگاهی حرکت به سمت ایجاد گشایش‌های اجتماعی و فرهنگی و بازتاب آن در فضاهاى دانشگاهی	۱۳۹۲ تاکنون سال‌های (۲۰۱۸-۲۰۱۱)
تلاش در جهت بازگشت به رویکرد غیرمتمرکز تلاش جهت ایجاد گشایش‌های سیاسی تأکید بیش‌تر دولت بر مباحث سیاسی نسبت به مسائل علمی و دانشگاهی حرکت به سمت ایجاد گشایش‌های اجتماعی و فرهنگی و بازتاب آن در فضاهاى دانشگاهی	فرهنگی و اجتماعی	تلاش در جهت بازگشت به رویکرد غیرمتمرکز تلاش جهت ایجاد گشایش‌های سیاسی تأکید بیش‌تر دولت بر مباحث سیاسی نسبت به مسائل علمی و دانشگاهی حرکت به سمت ایجاد گشایش‌های اجتماعی و فرهنگی و بازتاب آن در فضاهاى دانشگاهی	

موارد تصمیمات دولتمردان در بخش سیاسی، در ادواری موضوعات اقتصادی که ایران و حتی مجامع بین‌المللی را درگیر خود نموده است؛ در ایامی مسائل فرهنگی و اجتماعی حاکم بر افراد و جامعه و بالاخره عوامل معرفتی و ایدئولوژیکی ناشی از مباحث دینی و یا ایده‌ها و باورهایی که مردم جامعه را به‌طور عام و متخصصان و متولیان آموزش عالی را به‌طور خاص درگیر خود می‌نمود، دانشگاه را با تغییرات و تحولاتی روبه‌رو ساختند و باعث شد دانشگاه در ایران مسیر پرفرازونشیبی را دنبال کند. بدیهی است این عوامل سیاست‌گذاری در حوزه‌ی آموزش عالی را تحت تأثیر قرار داده است.

بحث و نتیجه‌گیری

مطالعات تاریخی و تبیین تاریخ یک پدیده با توجه به ماهیت این‌گونه مطالعات کاری بس دشوار می‌نماید؛ زیرا ممکن است آنچه از نظر محقق مهم و اساسی تلقی شود، برای نظاره‌گران و بازیگران اصلی صحنه و یا محقق دیگری که در حال بررسی آن موضوع باشد، بی‌اهمیت جلوه کند و برعکس این موضوع نیز می‌تواند مصداق داشته باشد. باین‌حال، دانش تاریخ مسئول تبیین هویت گذشته است و این ویژگی باید همواره مدنظر گرفته شود و به‌عنوان گذشته شناخته شود اما نباید از نظر دور داشت که این گذشته برای کسانی که به‌مثابه‌ی «حال» در آن می‌زیسته‌اند، معنی و مفهوم دیگری داشته و ممکن است معرف واقعیت دیگری بوده باشد. جامعه و عناصر تشکیل‌دهنده‌ی آن نمی‌تواند جدای از گذشته موردتوجه و مطالعه قرار گیرد. بی‌شک یکی از ارکان اساسی تکوین، توسعه و انتقال عناصر فرهنگی جامعه نظام آموزشی آن به‌طور عام و نظام آموزش عالی آن به‌طور خاص است. نوشتار موجود یک بررسی تحلیلی از سیر تاریخی شکل‌گیری و تغییر و تحولات آموزش عالی و عوامل مؤثر بر آن است. بررسی‌های انجام‌شده نشان داد که دانشگاه و به‌طورکلی نظام آموزش عالی تحت تأثیر شرایط و عوامل درونی و بیرونی خود شکل‌گرفته و نشیب و فرازهای گوناگون و متعددی را به خود دیده است و همین امر سبب شده است که در کارکرد و ساختار آن، تغییرات متفاوتی پدید آید. از آنجایی که بین ساختارهای آموزشی و ساختارهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ... اثرات متقابل دیده می‌شود، می‌توان گفت هم ساختارهای غیر آموزشی شکل خاصی بر

ساختار آموزشی داده است و هم آموزش عالی تغییرات متعددی را در نهادهای دیگر ایجاد نموده است. تولد و دوران حیات دانشگاه در ایران تحت تأثیر عوامل متعدد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ایدئولوژیکی بوده است. از منظر رویکرد سیستمی، محیط بیرونی بر یک سیستم -در اینجا دانشگاه- بسیار مؤثر است. همان‌گونه که ذکر آن رفت هرگونه رخداد مهم تأثیرات بسیاری را بر ساختار و کارکرد دانشگاه گذاشته است؛ هرچند این تأثیرگذاری و تأثیرپذیری متقابل بوده است. عوامل علمی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، ایدئولوژیکی در روند حیات دانشگاه اثراتی را به‌جای گذاشته است و همین امر باعث گردیده است هر زمان دانشگاه دوره‌ای از رشد و شکوفایی و یا دوره‌ای از رکود را پشت سر بگذارد. شکل‌گیری دانشگاه در ایران، قدمتی به تاریخ ایران دارد؛ هرچند تا سال ۱۳۱۳، نهادی تحت عنوان «دانشگاه» شکل نگرفته بود. دانشگاه در ایران هم محصول «افکار» است و هم محصول «نیاز»؛ زمانی که افرادی روشنفکر مانند دکتر صدیق، سیاسی و حکمت و ... پیشرفت دنیا و نقش «دانشگاه» را در آن مشاهده کرده و این افکار را به‌تدریج در بین مردم و بدنه‌ی دولت ایجاد نمودند؛ بازدیدها و مراودات پادشاهان ایرانی با سران کشورهای غربی و دغدغه‌ی نوگرایی -حداقل در ظاهر- آنان نیز بر این افکار صحنه گذاشت. البته عواملی نیز سبب پیدایش این نهاد بودند که بیش‌تر مرهون بزرگ مردانی بود که در دوره‌های قبل به‌ویژه دوره‌ی قاجار می‌زیسته‌اند و حاصل دلسوزی آن‌ها در دانشسراها، مدارس عالی و به‌خصوص دارالفنون تجلی یافته بود. علاوه بر موارد فوق، نمی‌توان چشم را بر رخدادهایی بست که نه‌تنها در ایران، بلکه در همه‌ی جهان تأثیرات عمیقی نهاد؛ انقلاب صنعتی، جنگ‌های جهانی به‌ویژه جنگ جهانی دوم، رنسانس ازجمله‌ی این رخدادهای هستند. مجموع این عوامل به انضمام انقلاب بزرگ مشروطیت، جامعه‌ی ایران را به بستری مناسب و حاصلخیز جهت سر برآوردن و رشد نهال «دانشگاه» تبدیل نمود. تأسیس دانشگاه در ایران نیز مانند اکثر کشورهای درحال‌توسعه، به‌منظور برطرف کردن نیاز دولت به نیروی انسانی متخصص برای دیوان‌سالاری و نیروهای نظامی و صنعتی خود بود که البته نمی‌توان منکر این مسئله بود؛ ایران شاهد رشد جمعیت، پیش رفتن به‌سوی صنعتی شدن، ظهور مظاهر مدرنیته مانند راه‌آهن، بیمارستان، مدرسه، ادارات و دستگاه‌های اجرایی بود و از داشتن نیروی انسانی کاردان و متخصص بی‌نیاز نبود. شاید به‌عنوان یک نتیجه‌گیری منطقی باید گفت، شکل‌گیری دانشگاه در ایران نه صرفاً تجویزی و از

بالا به پایین و از بیرون به درون بود و نه صرفاً مدیون افکار نوگرا و تجدیدطلب آن دوران. از همین رو است که در اسناد و مدارک تأسیس دانشگاه تهران هم به عباراتی مانند واژه‌ی «یونیورسیتته» را به‌عنوان عمارتی به کار می‌بردند که خوب است در کنار عمارت‌های دیگر، در باغ جلالیه تهران ساخته شود» (Sediigh, 1973) دیده می‌شود و هم عباراتی مانند «دانشگاه محلی برای آموزش صرف نبود، بلکه پژوهش و تولید علم نیز برای آن تعریف‌شده بود» (Mahboubi Ardakani, 1971) و بیان‌گر این است که هر دو دیدگاه در پیدایش این نهاد مؤثر بوده‌اند. تا سال ۱۳۲۶ که سال ورود اولین دانشگاه در شهر دیگری به‌غیر از تهران است، هنوز دوره‌ی تجربه و آزمون و خطا است. الگوی اولیه دانشگاه نیز مانند دارالفنون از کشورهای خارجی اقتباس‌شده بود و بدون در نظر گرفتن مقتضیات و الزامات اولیه‌ی بومی و شرایط اجتماعی، فرهنگی و فلسفه‌ی تربیتی وارد کشور شده بود. به همین دلیل بود که کارکردهایی مانند «توسعه‌ی فرهنگی» از نظر دور داشته شده بود و همین امر فلسفه‌ی وجودی دانشگاه را به‌شدت تحت‌الشعاع قرار داده بود. باوجود همه‌ی این موارد دانشگاه در ایران شکل گرفت و ۱۳ سال از تولد آن گذشت تا این‌که در سال ۱۳۲۶، دانشگاه وارد شهرهای دیگر شد. در بیان سیر تاریخی دانشگاه‌ها در ایران تفاوت‌های چشمگیر دیده نمی‌شود. به سبب تمرکز در تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی‌ها از سویی و عدم توجه به ابتکار و خلاقیت از سوی دیگر، دانشگاه‌ها در ایران سیر تاریخی مشابهی را طی نموده‌اند، اگرچه در برهه‌هایی از زمان موقعیت‌های خاصی را تجربه نموده‌اند. با نگاهی به تحولات تاریخ نظام دانشگاهی کشور می‌توان دریافت دانشگاه در بدنه‌ی دولت شکل گرفته است و این رویکرد هنوز هم در تحولات دانشگاهی دنبال می‌شود. پاسخگویی به تقاضاهای مختلف جامعه اعم از اجتماعی، نظامی و اداری و تربیت نیروی انسانی این بخش‌ها، مهم‌ترین گفتمان در نظام آموزش عالی ایران بوده و هست. علاوه بر این، نتایج حاصل از پژوهش حاضر نشان داد نظام دانشگاهی در ایران از جریانات مختلف سیاسی، اقتصادی، علمی و ایدئولوژیک از زمان تأسیس تاکنون در طول حیات خود متأثر بوده است و فراز و نشیب‌های زیادی را به خود دیده است. این جریان‌ها در بیشتر مواقع با اتخاذ تدابیر و سیاست‌های غیرعلمی و بدون مطالعه مانند تکرار دانشگاه‌ها، تعطیلی دانشگاه‌ها و ایجاد دانشگاه‌ها جدید و خاص، فشار گروه‌های سیاسی، محلی و منطقه‌ای، دخالت بیش‌ازحد دولت‌ها و سایر نهادها، تعدد متولیان آموزش عالی و عدم

هم‌راستایی در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، دانشگاه‌ها را نه تنها به سمت توسعه و تغییر به وضع مطلوب نبرده است، بلکه آثار ناخوشایندی را به سیستم آموزشی کشور و جامعه تحمیل نموده که جبران آن در کوتاه‌مدت به راحتی امکان‌پذیر نیست.

اگرچه دانشگاه در ایران نزدیک به ۹ دهه پیش به شکل رسمی شکل گرفته است؛ پیشنهاد می‌گردد که هر زمان سخن از شکل‌گیری نوع خاصی از دانشگاه می‌شود و یا ضرورت تأسیس دانشگاه جدیدی در نظام آموزش عالی و جامعه احساس می‌شود، به عوامل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ... توجه شود و مجدداً با توجه به این مؤلفه‌ها ضرورت شکل‌گیری دانشگاه جدید، مورد بررسی مجدد قرار گیرد. تأسیس دانشگاه نباید دست‌آویز فشارهای سیاسی، راهی برای کاهش فشارهای اقتصادی و مانند آن شود. قطعاً چنین نگاهی از سوی سیاست‌گذاران آموزش عالی، نیازمند برخورداری از رویکرد سیستمی است. پیشنهاد می‌شود با توجه به متأثر بودن نظام آموزش عالی کشور از نیروها و عوامل موجود در پیرامون خود که در این پژوهش بدان پرداخته شده، انجام هرگونه تحول ساختاری، کمی و کیفی در نظام آموزش عالی کشور در زمان‌های آتی مبتنی بر مطالعات عمیق جامعه‌شناختی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ایدئولوژیکی استوار گردد و گسترش کمی و کیفی آن در راستای نیازها و تحولات ایجادشده در این حوزه‌ها صورت پذیرد. علاوه بر این، آگاهی از تاریخ و جغرافیای هر پدیده، هم‌چون آگاهی از تاروپود یک بافت است که بدون آن شناختی حاصل نمی‌شود؛ لذا پیشنهاد می‌گردد در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های کلان و خرد که توسط متولیان گوناگون آموزش عالی اتخاذ می‌شود، بدون بررسی سیر تاریخی و آگاهی از مختصات جغرافیایی، یقیناً تصمیم و برنامه‌ی مطلوبی استخراج نمی‌گردد. با توجه به این‌که نظام آموزش عالی ایران در ادوار مختلف، وضعیت‌های گوناگون و در پاره‌ای از موارد تکرار مکررات بوده است که موفقیت‌چندانی نیز در پی نداشته است، لزوم آگاهی از تاریخ و پند گرفتن را بیش‌ازپیش حیاتی و حساس نموده است. پژوهش حاضر به مانند سایر پژوهش با محدودیت‌هایی همراه بوده است: کمبود منابع و اسناد و مدارک موردنیاز؛ تا جایی که برخی از منابع به صورت تعمودی دچار بی‌مهری خوانندگان و مسئولان گشته و از بین رفته یا به پژوهشگر اجازه‌ی بررسی آن داده نمی‌شد. علاوه بر این، شناسایی مضامین برآمده از ذهنیت محققان و خبرگان و صاحب‌نظران و برداشت

ایشان از موضوع بوده و چه‌بسا محقق دیگری در بررسی مصاحبه‌ها می‌تواند به مضامین دیگر دست یابد.

سهم مشارکت نویسندگان: منیره سهرابی چارچوب کلی طرح را برنامه‌ریزی کرده، پروژه را آغاز کرده، طرح را اجرا، نتایج را تحلیل و یافته‌ها را گزارش کرده است. دکتر محمد یمنی دوزی تدوین چارچوب نظری و هدایت روند کلی پژوهش را برعهده داشتند. دکتر حسن حضرتی و دکتر مقصود فراستخواه همکاری در طراحی چارچوب کلی، همکاری در تحلیل مفاهیم و نتیجه‌گیری، ویرایش محتوایی، ارسال مقاله و اصلاحات را برعهده داشته و نویسنده مسئول است. بحث درباره یافته‌ها، مرور و تایید نسخه نهایی مورد تایید نویسندگان است.

سپاسگزاری: نویسندگان از همه کسانی که در تکمیل این پژوهش مؤثر بوده‌اند، به ویژه همکاران و اساتید عزیز مشارکت‌کننده، مراتب تشکر خود را اعلام می‌دارند.

تضاد منافع: نویسندگان اذعان می‌کنند که در این مقاله هیچ نوع تعارض منافی وجود ندارد. این مقاله مستخرج از رساله دکتری است.

منابع مالی: نویسندگان برای انجام این پژوهش هیچگونه حمایت مالی دریافت نکرده‌اند.

References

- Aghazadeh, A. (2007). *History of Education in Iran*, Tehran: Arasbaran Publications. [Persian]
- Bray, M., Adamson, B., & Mason, M. (2007). *Adaptive Studies in Education Approach and Method*, Translated by Abbas Ma'dandar and Parvin Abbasi. Tehran: AYJ Publishing. [Persian]
- Creswell, J. & Miller, D. (2000). Determining validity in qualitative inquiry. *Theory into Practice*, 39(3), 124-130.
- Entezari, Y. (2009). *Sixty years of higher education in research and technology in Iran*, Tehran: Institute for Research and Planning for Higher Education. [Persian]
- Farasatkah, M. (2000). *The evolution of university in Iran, research report and planning of higher education*, Institute for Research and Planning for Higher Education. [Persian]
- Firouz Koochi Moghaddam, T. (2002). *Study of different streams of higher education in Iran*. Institute for Research and Planning for Higher Education. [Persian]
- Hart, J. S., Yelland, A., Mallinson, Z., Hussain, S. Peters. (2015). When Is It Ok to tell Patient They Are Overweight? General Public's Views of the Role of Doctors in Supporting Patients' Dieting and Weighy Management. *Journal of Health Psychology*, 20(3), 2098-2107.
- Hosseini Largani, M. (2009). Performance of the Fourth Development Plan in the Higher Education Section, *Weekly Program*, 8(351). 34-27. [Persian]

- King, N., Harrocks, C., & Brooks, J. (2018). *Interviews in Qualitative Research* (2nd Edition). London: Sage Publication.
- Mahboubi Ardakani, H. (1971). *The History of the Transition of Tehran University and Iranian Higher Education Institutions in the Pahlavi era*. Tehran: Tehran University. [Persian]
- Mehri, K., Yazdkhashti, B., & Panahi, M. (2014). Ethnic policy based on the Supreme Leader's point of view: Thematic analysis. *Quarterly Journal of Soft Power Studies*, 4(10), 75-97. [Persian]
- Moein, M. (2004). *Oral History of Higher Education in Iran, narrated by Dr. Mostafa Moein, with the Approach to Justice and Development in the Years (1368-1384)*, Tehran: Saba Culture. [Persian]
- Pakseresht, S., Hosseini, H., & Inanloo, M. (2012). Theatrical analysis of physical behaviors among girls and women in Tehran. *Quarterly Iranian Cultural and Communication Studies Association*. 8(28), 147-169. [Persian]
- Samari, E. (2013). *The course of university development in Iranian state universities and providing a model for it*. Dissertation for Ph.D. in Higher Education Planning.
- Sediigh, E. (1973). *Forty Speeches*. Tehran: Dekhoda Publications. [Persian]
- Tashakkori, A., & Teddlie, C. (2010). *SAGE Handbook of Mixed Methods in Social & Behavioral Research*. 2nd Thousand Oaks. CA: Sage.
- Teddlie, C., & Yu, F. (2007). Mixed Methods Sampling: A Typology with Examples. *Journal of Mixed Methods Research*. 1(1), 77-100.
- Torayfi Hosseini, H. (2010). *A comparative and analytical study of the historical course of Iran's higher education with emphasis on the socio-economic, political, and cultural changes affecting it in the three Qajar, Pahlavi and Islamic Revolution periods*. Master's thesis for Adaptive Education. [Persian]
- Willig, C. (2013). *Introducing Qualitative Research in Psychology*. 3rd ed. Berkshire: McGraw-Hill
- Yamani, M., & Arasteh, H. (2003). *Guidelines for University Development Planning*. Tehran: Institute for Research and Planning for Higher Education. [Persian]
- Yamani, M. (2001 a). *Planning for academic development*. Tehran: Shahid Beheshti University Press, Tehran. [Persian]
- Yamani, M. (2001 b). *Income on the performance of academic systems*. Tehran: Shahid Beheshti University Press, Tehran. [Persian]

